

# کشاکش رضاخان و مطبوعات در دوره نخست‌وزیری

علی منوچهری

## چکیده

مطبوعات به عنوان ابزاری آگاهی‌دهنده و جهت‌بخش به افکار عمومی نقش غیرقابل انکاری در حرکت جوامع امروزی داشته‌اند. در ایران نیز تا به امروز این نقش با فراز و فرود تداوم یافته است. در دوره مورد مطالعه ما در این مبحث ۱۳۰۴-۱۳۰۲ هـ.ش مقارن با نخست‌وزیری سردار سپه و گذار به سوی کسب سلطنت، مطبوعات در کنار جهت‌دهی به افکار عموم مردم، مشمول سیاست‌های سرکوبگرانه رضاخان شدند. این مقاله کوششی است برای نمایاندن تأثیر جراید بر روند قدرت‌یابی سردار سپه و برخورد وی با آنها.

## مقدمه

شروع جنگ جهانی اول به وخامت بیشتر اوضاع سیاسی داخلی ایران انجامید. از یک طرف روس‌ها و انگلیسی‌ها و از طرف دیگر آلمانی‌ها و عثمانی‌ها نبرد خود را بی‌توجه به اعلان بی‌طرفی ایران، به این کشور کشاندند و جنبش‌های گوناگون در ایالات علیه دولت ناتوان مرکزی سر برافراشتند. انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، موقتاً روس‌ها را از صحنه سیاسی ایران خارج ساخت و انگلیسی‌ها که حال میدان را عملاً خالی از حریف می‌دیدند، کوشیدند تا به یاری قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس، ایران را به صورت یک کشور تقریباً تحت‌الحمایه درآوردند، تلاش آنان در این زمینه از سوی مجلس عقیم ماند ولی عدم کارآیی ذاتی مجلس و تزلزل گریزناپذیر دولت‌های قانونی، کودتای بدون خونریزی ۱۹۲۱ م [ ۱۲۹۹ هـ.ش ] را به سرکردگی سید

ضیاء الدین طباطبایی، روزنامه‌نویس و سیاستمدار ماجراجو، و رضاخان، افسر قزاق، تشویق کرده، سرانجام راه را برای خلع سلسله قاجار از سلطنت و پیدایش حکومت پهلوی در ۱۹۲۵ م (۱۳۰۴ هـ.ش) همواره ساخت.<sup>۱</sup> کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ م که به حمایت و دستیاری بیگانگان شکل گرفت نقطه آغاز دورهای بود که تا شهریور ۱۳۲۰ ش ادامه یافت. این دورا را می‌توان عصر رضاخانی دانست، عصری که همراه با استبداد و خودکامگی بود و از مشروطیت و آرمان‌های آن چیزی جز صورت و ظاهر باقی نمانده بود.<sup>۲</sup> طبیعی است که در چنین فضایی مطبوعات نیز از معنی و محتوی خالی و جز تبلیغ و نشر افکار مورد حمایت دولت خودکامه نقشی بر عهده نداشته باشند. در این دوره آن دسته از مطبوعات نیز که به خود جرأت انتقاد از عملکرد هیأت حاکمه می‌دادند مشمول سانسور و توقیف می‌گردیدند. مسلم است که این سانسور و توقیف همانند سایر مظاهر دیکتاتوری رضاخانی یک دفعه به وجود نیامد، بلکه سیری تدریجی را طی نمود. این مسیر از دوران وزارت جنگ رضاخان آغاز و همراه با رشد قدرت او، شدیدتر گردید که این مسیر به ۳ دوره تقسیم می‌گردد: ۱) وزارت جنگ (۲) ریاست وزرایی (۳) سلطنت رضاخانی که بحث ما به مرحله‌ی دوم یعنی دوره‌ی ریاست الوزرایی می‌پردازد.

### نگاه رضاخان به مطبوعات

علی دشتی درباره‌ی رفتار سردار سپه با ارباب جراید، این‌گونه می‌نویسد: «... سردار سپه نظامی بود و عادت به انضباط داشت، و از این رو خیال می‌کرد که این انضباط، در سیاست هم باید باشد. چون خود در مسائل مملکتی و سیاسی جدی و با هر گونه مسامحه و سهل‌انگاری مخالف بود و به راستی تمام قوای روحی و فکری او صرف امور سیاسی و نظامی می‌شد و جز این همه‌ی مطالب دیگر را بازپچه می‌شمرد، خیال می‌کرد هر مرد سیاسی باید چنین باشد. پس مطبوعات نیز، جز مصالح عالیه کشوری نباید هدفی و مقصودی را دنبال کنند. او با همان تحقیری که از سیاست‌پیشگان قبل از کودتا نام می‌برد و آنها را مسئول فلاکت سربازانی می‌دانست که با دشمن درجنگند، از جرایدی که دنبال اغراض خصوصی می‌روند، بیزار می‌گشت. روزنامه‌هایی که متوقع کمک مادی بودند و یا از راه و رسم متانت و احتشام منحرف می‌شدند از چشم وی می‌افتادند»<sup>۳</sup>. ولی خطر اساسی که این بار جراید و آزادی مطبوعات و قلم را تهدید می‌کرد، روحیه استیلاجویانه نظامیان و بسط تدریجی قدرت آنها به دیگر ارگان‌ها و دستگاه‌های دولتی بود. در مقابله با این خطر، مخالفین کودتا و قدرت‌یابی نظامیان، شروع به فعالیت کردند. در راه انجام این فعالیت مؤثرترین وسیله برای آنها، جراید و مطبوعات بود. به همین سبب دولت نیز، با جدید بیشتری به توقیف و سانسور جراید و نشریات می‌پرداخت.

حسین مکی نیز در تاریخ بیست ساله خود در این باره چنین می‌گوید: «تنها چیزی که همواره سردار سپه از آن می‌ترسید یکی انتقاد در جراید و دیگری انتقاد در مجلس بود، جراید اقلیت را یکباره توقیف و از قلم آنها راحت شده بود. در مجلس هم که می‌خواستند انتقاد یا حمله شدیدی به او بنمایند طرفدارانش با جار و جنجال نمی‌گذاشتند اقلیت حرف‌های خود را بزنند»<sup>۴</sup>.

## جرائد اقلیت و جرائد اکثریت

جراید و روزنامه‌ها در این دوره به دو دسته اقلیت و اکثریت تقسیم می‌شدند، که ما در اینجا ابتدا به بیان ویژگی‌های این دو دسته پرداخته، سپس چند نمونه از روزنامه‌های اقلیت را که در دوره نخست‌وزیری سردار سپه، به کشاکش و مخالفت با وی پرداخته و در روند قدرت‌یابی او تأثیر داشته‌اند را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

### جراید اکثریت

این جراید، در بیشتر مواقع، غوغا به راه انداخته و به جان اقلیت مجلس و مخالفین سردار سپه افتاده و از هر گونه تهمت، افترا و کینه و دشنام درباره‌ی آنها مضایقه نمی‌نمودند، به جراید اکثریت مساعدت‌های مالی و کمک‌های دیگر از هر طرف می‌شد و مخصوصاً چون ادارهٔ سانسور با آنها کاری نداشت، بدون پروا هر چه می‌خواستند بر علیه شاه و دربار قاجار و موافقین آنها می‌نوشتند.<sup>۵</sup> تا زمان انقراض سلسله‌ی قاجاریه در غالب جراید طرفدار سردار سپه مقالات و اخبار زیادی بر علیه قاجاریه و مخصوصاً سلطان احمدشاه منتشر می‌شد ضمن این مقالات همواره نسبت به مخالفین سردار سپه و مخصوصاً دسته‌ی اقلیت مجلس حملات شدیدی می‌شد. حتی بعضی از جراید برای مرعوب کردن مخالفین سردار سپه اخباری از خود جعل و ذهن جامعه را مشوش می‌نمودند مانند روزنامه‌ی ستاره ایران که در صفحه‌ی اول خودش، ستون مخصوصی زیر عنوان «ضجّه ولایات بر علیه قاجاریه» اختصاص می‌داده، همه روزه مطالبی در این زمینه منتشر می‌کرد. روزنامه‌های دیگر نیز به همین رویه تحت عناوین مختلف مرتباً مقالاتی درج نمودند، از جمله روزنامهٔ شفق سرخ<sup>۶</sup> که ابتدا مشی و رویه‌ای مخالفت‌آمیز با سردار سپه و اقدامات او داشت، از شمارهٔ ۲۳۵ مورخه‌ی ۲ خرداد سال ۱۳۰۳ خود، زیر عنوان در تاریخ قاجاریه مطالبی مفصل منتشر می‌ساخت. روزنامه‌های هفتگی و فکاهی نیز غالباً مقالات و کاریکاتورهایی بر علیه قاجاریه و بر علیه اقلیت مجلس منتشر می‌کردند.<sup>۷</sup>

### جراید اقلیت

این جراید با اقلیت پارلمان از نزدیک همکاری و به وسیله ملک‌الشعراى بهار با آنها ارتباط دائمی داشتند، روی هم رفته، از ۹ روزنامه که طرفدار اقلیت بود، هیچ وقت بیش از یکی دو تایی آنها منتشر نمی‌شد، مابقی یا به واسطهٔ عسرت مالی یا به علت توقیف بودن انتشار نمی‌یافت در صورتی که جراید اکثریت که تعداد آنها چند برابر جراید اقلیت بود هر چه می‌خواستند، می‌نوشتند و با آنها همه نوع وعده‌ی مساعدت مانند وکالت شغل‌های دیگر داده می‌شد.<sup>۸</sup>

جراید اقلیت به محض این که مطالبی بر علیه سردار سپه انتشار می‌دادند فوراً توقیف و در پاره‌ای از مواقع در خلال چاپ نیز آن را توقیف و ضبط می‌نمودند. حتی مدیران آنها را نیز به انواع و اقسام مورد ضرب و شتم قرار داده، گاهی هم تبعید می‌شدند. جراید اقلیت مورد حملات جراید اکثریت قرار می‌گرفتند و زمانی

هم که می‌خواستند از خود دفاع کنند، فوراً تحت توقیف درمی‌آمدند.<sup>۹</sup> از نخستین اقدامات سردار سپه در زمان تصدی ریاست الوزرائی، گذراندن تصویب‌نامه‌ای در هیأت وزراء بود که به موجب آن هر تظلمی که در مطبوعات و جراید چاپ می‌شد، بی‌جواب می‌ماند و بدان رسیدگی نمی‌شد. این تصویب‌نامه برخلاف اصل بیستم قانون اساسی بود و از نخستین اقدامات رسمی برای محدود کردن مطبوعات در دوره رضاخان به حساب می‌آمد صدور این تصویب‌نامه در جراید طرفدار رضا خان با حسن نظر تلقی گردید ولی در روزنامه‌های مخالف به شدت از آن انتقاد شد.<sup>۱۰</sup> با وجود این فشارهایی که به مدیران جراید اقلیت وارد می‌آمد، بعضی از آنها بر علیه اکثریت مجلس و جراید طرفدار آنها شدیداً مبارزه می‌کردند که ما در این مجال چند نمونه از آنها را از نظر خواهیم گذراند.

### روزنامه‌ی نسیم صبا

روزنامه‌ی نسیم صبا در تهران به صاحب امتیازی و مریدی حسین کوهی کرمانی تأسیس و در سال ۱۳۰۲ هـ ش منتشر شده است. نسیم صبا روزنامه‌ای است ادبی-فکاهی، اجتماعی و در عنوان هر شماره این شعر، به عنوان شعر روزنامه چاپ می‌شده است.

چه غنچه سرنهفته نهان کی ماند      دل مرا که نسیم صباست، محرم راز

شماره‌ی اول سال دوم نسیم صبا در ۱۵ فروردین ۱۳۰۳ هـ ش منتشر شده است. در این شماره به عوض سرمقاله اشعاری درج شد تحت عنوان:

شد مسخره جمهوری از آقای تدین      شد مملکت آشفته زوغای تدین

و این اشعار درست در زمانی انتشار یافت که جراید اکثریت در بحبوحه تبلیغات خود بر علیه سلسله قاجاریه و به طرفداری از جمهوری خواهی قرار داشتند. نسیم صبا به خاطر درج این شعر برای مدت مدیدی تعطیل شد تا خرداد سال ۱۳۱۱ هـ ش که دوباره شروع به کار می‌کند.<sup>۱۱</sup> علی‌رغم سانسور شدیدی که بر مطبوعات حاکم بود، همچنان روزنامه‌نگاران، به انحاء و ترفندهای مختلف مخالفت خود را با سردار سپه و اقدامات او ابراز می‌داشتند، روزنامه‌ی نسیم صبا نیز در اوایل ۱۳۰۳ هـ ش در یکی از شماره‌های خود، شاهکار ادبی را که تصور می‌رود از آثار ملک‌الشعراى بهار باشد، به اسم در مکاتیب وارده تحت عنوان «توشیح عقاید» چاپ نمود که در آن زمان، در محافل سیاسی و ادبی با حیرت و جنجال بسیار تلقی گردید. این مقاله در زمانی منتشر شد که سردار سپه در هنگام معرفی اعضای دولت خود به مجلس، نام یکی از وزرای خود را فراموش و پشت تریبون گیر کرده و از وزیری که نامش را از یاد برده، اسمش را سؤال می‌کند و همین قضیه دست‌آویزی برای جراید اقلیت می‌شود و چون آنها نمی‌توانستند صریحاً مطلبی منتشر نمایند لذا دست به این اقدام، یعنی توشیح عقاید زدند و نسیم صبا به انجام این عمل پرداخت اگر در اینجا ما تمام کلمات اول سطرها را که با حروف درشت‌تر نوشته شده‌اند،

به ترتیب سرهم نمائیم عبارت زیر از آن مستفاد می‌شود: «رضا خان بی‌سواد که وزرای خود را نتوانست به مجلس معرفی بنماید چطور لایق ریاست جمهور است، تأمینات نمی‌گذارند آزادانه بنویسیم لذا موشح عقاید ملی حقه‌بازان را می‌نویسیم و می‌گوئیم بگذار مرتجعین ما را تکفیر کنند».

از دیگر نمونه‌هایی که روزنامه نسیم صبا به جبهه گرفتن در مقابل سردار سپه پرداخت، در قضیه تمثال می‌باشد. داستان این‌گونه می‌باشد، علمایی که از طرف دولت عراق به ایران تبعید شده بودند چون در دوره رضاخان تبعید آنان به پایان رسید و در بازگشت به عتبات عالیات مورد مشایعت سردار سپه قرار گرفتند، پس از رسیدن به عراق، تمثالی را برای سردار سپه می‌فرستند که صحت و اعتبار ورود این تمثال از نامه‌ی میرزا حسین نائینی مرجع تقلید وقت، سرچشمه می‌گرفت. روزنامه‌ی نسیم صبا در این زمان اشعار زیر را در صفحه اول و دوم خود در تاریخ ۲۳ خرداد ۱۳۰۳ هـ ش منتشر کرده و جشن برپا شده به خاطر ورود این تمثال را به باد تمسخر گرفته و چنین می‌نویسد:

ملت ایران عجب خوش‌باور است<sup>۱۲</sup>

جشن روز جمعه خنده‌آور است

## روزنامه‌ی نجات ایران

روزنامه‌ی نجات ایران به مدیری و نویسندگی زین‌العابدین فروزش تأسیس و در سال ۱۳۰۱ هـ ش منتشر شده است. طرز انتشار نجات ایران، هفته‌ای ۲ روز، روزهای سه‌شنبه و جمعه بود. نجات ایران تا سال ۱۳۰۵ هـ ش به طور نامنظم منتشر شده و برای مدت طولانی تعطیل می‌گردد. روزنامه‌ی نجات ایران در ترقیات فرهنگی دارای معتقدات و روش خاصی بود، و چنین می‌پنداشت که باید در اصول تربیت و تعلیم و تعمیم فرهنگ و ایجاد روحیه عالی ملی، انقلابی در معارف ایجاد نموده و در این راه کوشش‌های بسیار نمود و از این جهت سبک آن مورد پسند متجددین و ترقی‌خواهان بود. در سیاست نیز مشربی تند و اصلاح‌طلبانه و اصلاح به معنی واقعی داشت. ضمناً دارای جنبه‌ی ادبی نیز بود و غالباً بهترین قطعات نثر و ترجمه‌های بسیار ممتاز از آثار بزرگترین نویسندگان را دارا بود. این روزنامه حاکی بالآمدن سطح لیاقت و شایستگی و طرفدار آن بود که مقامات و مشاغل را باید بر طبقه شایسته و توانا واگذار نمود.<sup>۱۳</sup>

شدت گرفتن اقدامات رضاخان علیه جراید مخالف خود و قتل میرزاده عشقی و به چوب و شلاق بستن روزنامه‌نویس‌ها، ظاهراً کار را به جایی رساند که روزنامه‌ی نجات ایران در شماره‌ی چهارم، از خوانندگان خود خداحافظی کند و چنین بنویسد: ما قلم را می‌بوسیم و کنار می‌گذاریم؛ قسمتی از مقاله:

وقتی که در حضور نمایندگان ملت، قانون مربوط به آزادی مطبوعات را لغو می‌کنند، چطور می‌شود آزادانه حرف شد؟ و به توقیف روزنامه ستاره ایران<sup>۱۴</sup> و ستاره شرق<sup>۱۵</sup> اشاره کرده و نوشته بود که بهتر است پیش از این که به سراغ ما نیز بیایید، ما خود، روزنامه‌ی خود را تعطیل کنیم. آخر سر نیز متذکر شده که اگر بخواهید روزنامه بنویسید، باید حول و هوش خود را بیایید و بیشتر مواطب ناحیه غرب تهران باشید که

منظورش محل اقامت سردار سپه و نصرت‌الدوله بود!

بعد از چاپ این مقاله، «ناصرسیف» مدیر روزنامه‌ی نجات ایران ناپدید شد و تلاش پلیس برای پیدا کردن او به جایی نرسید و آخر الامر هم معلوم شد که وی برای نجات خود به سفارت شوروی پناه برده است که باعث اعتراض آنان گردیده ولی این نوع اعتراضات، تأثیری در تسلط سانسور بر آزادی قلم نداشت<sup>۱۶</sup> و نشریاتی که توزیع و اشاعه آنها مقتضی نبود توسط نظمیة جمع‌آوری می‌شد.<sup>۱۷</sup>

## روزنامه‌ی قرن بیستم

شماره‌ی اول قرن بیستم به صاحب امتیازی و نویسندگی میرزاده عشقی در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۰۰ هـ.ش در تهران منتشر شد. شماره‌ی اول سال دوم قرن بیستم به صاحب امتیازی میرزاده‌ی عشقی و مدیر مسئولی عباس اسکندری در ۲۵ دی ۱۳۰۱ هـ.ش منتشر شد. در سال دوم، قرن بیستم به جای روزنامه سیاست که صاحب امتیاز و مدیر آن عباس اسکندری و توقیف شده بود منتشر گردید. مندرجات سال دوم قرن بیستم عبارت از سرمقاله‌های تند و آتشین و قسمتی از اشعار عشقی و مقالات اجتماعی تحت عنوان (القبای فساد اخلاقی) و اخبار داخله بود. پس از ۴ ماه تعطیلی مجدداً سومین دوره روزنامه قرن بیستم در سال ۱۳۰۳ هـ.ش و در آغاز جمهوری خواهی سردار سپه منتشر گردید. در این دوره بیش از یک شماره منتشر نشد و مطالب و مقالات همین شماره نیز موجب قتل عشقی گردید. تاریخ انتشار این شماره ۷ تیر ماه ۱۳۰۲ هـ.ش است.<sup>۱۸</sup> عشقی با انتشار این مقالات بر علیه جمهوری پیشنهادی سردار سپه قیام نموده و عاقبت هم جان خود را فدای عقیده خویش نمود. او درست ۵ روز پس از انتشار این مقاله، از ۱۲ تیرماه ۱۳۰۳ هـ.ش هنگام صبح در خانه مسکونیش جنب دروازه دولت هدف گلوله دو نفر قرار گرفت. اما اشعاری که در شماره اخیر روزنامه‌ی قرن ۲۰، عشقی چاپ کرد، تحت عنوان «جمهوری سوار»، «مظهر جمهوری» و «نوحه جمهوری» می‌باشد. در صفحه‌ی اول آخرین شماره‌ی قرن ۲۰، کاریکاتور مردی خرسوار را نشان می‌دهد که خود را به پای خم رسانیده و شیره می‌خورد و در کنار کاریکاتور نوشته است: (جناب جمبول بر خر جمهوری سوار شده است شیره ملت را مکیده و می‌خواهد به سر ما شیره بمالد) و در صفحه‌ی دوم اشعار جمهوری سوار درج شده که دو شعر اول آنها چنین است:

خاندان چند کرد ابله‌ی

هست در اطراف کردستان دهی

این حکایت در آن واقع شده

قاسم آباد است آن ویرانه ده

در صفحه‌ی پنجم نیز عکس تابوتی را نشان می‌دهد که زیر آن نوشته: جناره مرحوم جمهوری قلبی و این اشعار تحت عنوان نوحه جمهوری چاپ شده است!

پیرهن لاشخوران شد قبا<sup>۱۹</sup>

آه که جمهوری ما شد فنا

## بازتاب قتل عشقی

قتل عشقی در تهران و در مجلس جوش و خروشی برپا نمود. آقای ملک‌الشعراى بهار از طرف اقلیت در جلسه مجلس شورای ملی مورخه سه‌شنبه ۱۷ تیرماه ۱۳۰۳ بیاناتی راجع به این که دولت باید از این قبیل ترورهای سیاسی جلوگیری نماید و حتی باید قاتلین عشقی به مجازات برسند، اظهاراتی نمود. مرحوم مدرس نیز به روزنامه‌نویسانی که خود را طرفدار وی می‌شمردند پیشنهاد نمود که در مجلس تحصن اختیار نمایند و برای کسب امنیت و مصونیت قانونی مداخله مجلس را تقاضا کنند. این تحصن مدتی نزدیک به ۳ ماه طول کشید مدیران جراید اقلیت شرکت کننده در این تحصن عبارتند از: (۱) ملک‌زاده مدیر تازه‌بهار (۲) تقوی مدیر گل سرخ شیراز (۳) وفا مدیر شهاب (۴) میرزا عیسی خان مدیر هنر المله (۵) رحیم‌زاده صفوی مدیر آسیای وسطی (۶) عباس میرزای اسکندری مدیر سیاست

تیمور تاش با ورود خود به کابینه، بازعمای اقلیت مجلس در خصوص پایان دادن تحصن وارد مذاکره شد و در پایان کار نیز سردار سپه خود شخصاً به مجلس آمده و با مریدان جراید به گفتگو نشست. رحیم‌زاده صفوی به نمایندگی از جانب مدیران جراید خواسته‌های آنان را که اکثراً در ارتباط با امنیت جانی و حقوقی و مصونیت قانونی بود به تفصیل بیان نمود. هر چند تحصن پایان یافت ولی ۳ روز بعد از آن، رحیم‌زاده صفوی دستگیر گردید و چون فراکسیون اقلیت تهدید به استیضاح دولت نمود. با مداخله تیمور تاش آزاد شد. به هر صورت پس از واقعه‌ی قتل عشقی و جریانات حکومت نظامی حاکم بر فضای سیاسی آن زمان، پرونده جراید اقلیت و اصولاً پرونده آزادی کلام تا پایان دوره سلطنت رضاخان بسته می‌شود و از این پس کمتر کسی جرأت انتقاد را به خود راه می‌داد.<sup>۲۰</sup>

## نتیجه‌گیری

حیات و فعالیت مطبوعات وضعیتی ادواری داشت. مثلاً دوره‌ی کوتاه پس از مشروطه، با آزادی مطبوعات همراه بود ولی در دوره‌ی قدرت رضاخانی دچار محدودیت شدند. مطبوعات در ایران عمدتاً تابعی از قدرت سیاسی بوده و اندک فعالیت‌هایی نیز که مطبوعات مستقل و منتقد علیه قدرت وقت انجام می‌دادند، محدود و متوقف می‌شد. رضاخان برای مقابله با مطبوعات یا به سیاست تطمیع یا به سرکوب و حذف متوسل می‌شد و آنگاه که از روشنگری‌های مطبوعات چاره‌ای نداشت ناگزیر عقب‌نشینی می‌کرد.

## پی‌نوشت‌ها:

- ۱- عظیمی، فخرالدین، بحران در دموکراسی، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، بیژن نوذری، نشر البرز، ۱۳۷۴، ص ۱۲.
- ۲- آدمیت، فریدون، آشفتگی در فکر تاریخی، تهران، بی‌نا، ۱۳۶۰، ص ۱۸.
- ۳- دشتی، علی، پنجاه و پنج، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۴، ص ۹۰.
- ۴- مکی، حسین، تاریخ بیست ساله ایران، ج ۲، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۹، ص ۱۲۵.
- ۵- مکی، حسین، تاریخ بیست ساله ایران، ج ۳، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۴، ص ۳۷، ص ۳۸ و ص ۳۹.
- ۶- شفق سرخ: این روزنامه در تهران به مدیریت آقای علی دشتی تأسیس و در سال ۱۳۰۰ش منتشر شده است. علی دشتی در سال ۱۳۰۹ از عالم مطبوعات کناره گرفت و مدیریت و سردسیری شفق سرخ را به آقای مایل تویسرکانی واگذار نمود.
- ۷- مکی، حسین، همان، ص ۱۵ و ص ۳۸.
- ۸- همان، ص ۳۹.
- ۹- همان، ص ۳۸.
- ۱۰- مکی، حسین، همان، ج ۲، ص ۴۳۶ و ۴۳۷.
- ۱۱- صدر هاشمی، محمد، تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۴، انتشارات کمال، چاپ دوم، ۱۳۶۳، ص ۳۰۱.
- ۱۲- مکی، حسین، همان، ج ۳، ص ۴۵ و ص ۴۹.
- ۱۳- صدرهاشمی، محمد، همان، ص ۲۷۶ و ۲۷۹.
- ۱۴- ستاره ایران: در تهران به مدیری و سردبیری میرزا حسین خان صبا ملقب به کمال السلطان تأسیس و در سال ۱۳۳۳ هـ ق منتشر شده است و به جز ایام تعطیل همه روزه منتشر می‌گردیده است.
- ۱۵- ستاره شرق: در تهران به صاحب امتیازی و مدیر مسئولی میرزا باقر میثمی تأسیس و در آبان ۱۳۰۱ ش منتشر شده است.
- ۱۶- ذاکر حسینی، عبدالرحیم، مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، دانشگاه تهران، ۱۳۶۸، ص ۸۵.
- ۱۷- ساعدی، غلامحسین «سانسور در ایران» قسمت دوم، روزنامه‌ی کیهان، شماره‌ی ۶۲۸، شنبه ۱۴ بهمن ۱۳۵۷، ص ۶.
- ۱۸- صدر هاشمی، محمد، همان، ص ۱۰۵ و ص ۱۰۷.
- ۱۹- مکی، حسین، همان، ج ۳، ص ۵۷ و ص ۶۴ و ص ۶۵.
- ۲۰- همان، ص ۸۸.